

شیرازه

رموز موفقیت وارن بافت

شرق: وارن بافت به‌عنوان یکی از موفق‌ترین و ثروتمندترین سرمایه‌گذاران دنیا در حوزه بورس و بازار سرمایه شناخته شده است. وارن در اواسط دهه ششم عمرش، شروع به بازخوانی استراتژی‌های سرمایه‌گذاری بنجامین گراهام کرد و بعد از این واکاوی توانست با اصلاح استراتژی «سرمایه‌گذاری ارزشی» گراهام بهترین استراتژی «سرمایه‌گذاری ثروت» را به وجود بیاورد. دو کشف وارن در این زمینه؛ اینکه چگونه یک شرکت استثنایی با مزیت رقابتی پایدار را شناسایی کنیم و چگونه یک شرکت دارای مزیت رقابتی پایدار را ارزش‌گذاری کنیم. از اهداف کتابی است با عنوان «وارن بافت و تفسیر صورت‌های مالی». کتابی مختصر و کاربردی برای آشنایی با صورت‌های مالی و آموزش اصطلاحات آنکه در ضمن بنا دارد رموز موفقیت وارن بافت را معرفی کند. از ویژگی‌های این کتاب زبان ساده و بخش‌های کوتاه آن است که مطالعه و درک مباحث پیچیده مربوط به بورس و مسائل مالی را برای مخاطب عام امکان‌پذیر کرده است. تکنیک‌های وارن بافت در استفاده از صورت‌های مالی در این کتاب با شرحی ساده و قابل فهم بیان شده است و بنابراین مطالعه این کتاب می‌تواند به سرمایه‌گذاران در انتخاب شرکت‌هایی با مزیت رقابتی پایدار کمک بسزایی کند. در این کتاب هرکدام از اقسام صورت‌های مالی به طور جداگانه و مستقل بررسی شده است و این امر برای تحلیل وضعیت شرکت‌ها به کار می‌آید. ماری بافت و دیوید کلارک در کتاب «وارن بافت و تفسیر صورت‌های مالی: در جست‌وجوی شرکنتی با مزیت رقابتی پایدار» می‌گوشتند نشان دهند که وارن چگونه از صورت‌های مالی برای عملی‌کردن استراتژی منحصر‌به‌فرد خود استفاده کرده است؛ رویه‌ای که او را به ثروتمندترین فرد دنیا بدل کرد. چنان‌که در بخش «نوع کسب‌وکاری که وارن را فوق ثروتمند کرد» آمده است برای فهم نخستین کشف بزرگ وارن، ما نیازمند فهم ماهیت وال‌استریت و بازیگران عمده آن هستیم. اگرچه وال‌استریت خدمات زیادی برای کسب‌وکار مهیا می‌کند، ولی در مدت ۲۰۰ سال گذشته به‌عنوان یک کارنبوی بزرگ به کار گرفته شده است. «وال‌استریت، پر از صعود و سقوط کارگزاران بسیار عالی و خیره و همچنین کارگزاران نه‌چندان خوب بوده است». در بخش بعدی با عنوان «جایی که وارن جست‌وجو را برای یافتن شرکت‌های استثنایی آغاز کرد»، مؤلفان نشان می‌دهند که قبل از آنکه به دنبال شرکت‌هایی با مزیت رقابتی پایدار باشیم که ما را ثروتمند می‌کنند، باید بدانیم کجا می‌توان آنها را پیدا کرد. «وارن متوجه شد که این شرکت‌های برتر در سه دسته پایه‌ای مدل‌های کسب‌وکار قرار دارند: آنها یا محصول منحصر‌به‌فرد می‌فروشند یا خدمات بی‌مانندی ارائه می‌کنند یا خریدار و فروشنده کالاها و خدمات ارزان‌قیمتی هستند که دائما مورد نیاز مردم است». از طرف دیگر، وارن به این دریافت رسید که پایدار بودن یک مزیت رقابتی است که باعث خلق ثروت می‌شود. این ثبات در تولیدات است که ثبات در سود را ایجاد می‌کند. اگر شرکتی نیاز نداشته باشد که دائم محصولاش را تغییر دهد، نه نیاز دارد که میلیون‌ها دلار خرج تحقیق و توسعه کند و نه نیاز دارد میلیون‌ها دلار خرج تجهیز دوباره کارخانه‌کند تا بتواند مدل سال آینده را تولید کند». اما روش وارن بافت برای رسیدن به این دریافت‌ها، مرور صورت‌های مالی است: جایی که به تعبیر وارن «طلا پنهان شده است».



مرور

سواد مالی برای همه

کتاب «سواد مالی برای همه» تألیف موسی احمدی و محمدجواد صدیقی پاشاکی، راهنمای جامع و کاربردی برای مدیریت هوشمندانه امور مالی شخصی است. از برنامه‌ریزی برای خریدهای بزرگ مانند خانه و ماشین تا پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، بیمه و کارآفرینی، همه موضوع‌های ضروری مالی را پوشش می‌دهند. چنان‌که در پیشگفتار کتاب آمده است انسان‌ها در مراحل مختلف زندگی نیازهای مالی متفاوتی دارند. ماهیت و میزان نیازهای مالی انسان بنا به گذشت زمان از بدو تولد تا هنگام بازنشستگی و پس از آن تغییر می‌کند. هر شخصی برنامه مالی مختص به خودش را در طول زندگی دنبال می‌کند اما با دقت در زندگی اقشار مختلف مردم متوجه می‌شویم که عموم مردم از الگوی مالی مشابهی در طول زندگی خود پیروی می‌کنند. این موضوع به عوامل مختلفی در زندگی اشخاص بستگی دارد. هر شخصی با توجه به اهداف مالی خود، برنامه مالی خاصی برای رسیدن به آن اهداف طرح‌ریزی و اجرا می‌کند. هرچه این برنامه‌ریزی مالی دقیق‌تر باشد و حتی به صورت مکتوب تدوین شده باشد، استاندارد مالی زندگی افراد بهتر خواهد بود. اما این تمام ماجرا نیست. ارزش‌ها، اهداف، انتخاب‌های شخصی و رخداد‌های مهم و سبک زندگی و نیازهای متفاوت در طول عمر، برنامه مالی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ازاین‌رو برنامه مالی باید به صورت مستمر مورد بازنگری قرار گیرد. از طرف دیگر موضوعات و مفاهیمی که شخص باید در برنامه‌ریزی مالی خود در نظر بگیرد، به سواد مالی مرتبط است. این کتاب بر اساس چنین نیازی تدوین شده است و تلاش می‌کند مجموعه‌ای از مفاهیم را در زمینه مالی مطرح کند. موضوعاتی که البته در کشورهای دیگر طرح شده و مابازای آن در کشور ما مورد بررسی قرار می‌گیرد. «این موضوع باعث می‌شود خواننده ضمن آشنایی با معنی مفاهیم، ضرورت وجودی و مابازای عینی آن را درک کند». نویسندگان «سواد مالی برای همه» با زبانی ساده و مثال‌های ملموس، مفاهیم پیچیده مالی را توضیح داده و آنها را با شرایط اقتصادی ایران تطبیق داده‌اند. این کتاب در ۱۲ فصل تنظیم شده و موضوعاتی مانند اصول سرمایه‌گذاری، مدیریت بدهی، ملاحظات مالیاتی، اشتباهات رایج مالی و نمونه بودجه خانوار را بررسی می‌کند. در بخش اول، کلیات سواد مالی مطرح شده، بعد مبانی نظری سواد مالی تبیین شده است. در بخش بعدی تاریخچه و اهمیت سواد مالی مورد بحث قرار گرفته و نیز نمونه‌های اجرashده به صورت کلی بررسی شده است. بخش‌های بعدی کتاب به مباحث تکنیکی و تخصصی مالی وارد می‌شود و با زبانی ساده و قابل درک این مباحث از جمله هزینه فایده آموزش، بودجه‌بندی، نرخ بهره مرکب، انواع سهام و صندوق‌های سرمایه‌گذاری و شاخص بازار سهام و نقدینگی کی سرمایه‌گذاری را شرح می‌دهد.



سواد مالی برای همه

موسی احمدی و محمدجواد

صدیقی‌پاشاکی

انتشارات بورس



شکل‌های زندگی: یادی از کورش اسدی و درباره مجموعه داستان «باغ ملی»

داستان‌های صغیر



نادر شهریوری (صدقی)

«درخت‌ها تکان می‌خوردند. برگ‌ها جدا می‌شدند،

می‌چرخیدند. می‌ریختند توی استخر خالی. وسط استخر یک پیکر بود. پیکر روی یک پا ایستاده بود و کمر خم کرده بود و با دو دست باز هوا را گرفته بود... سُرید و دیوید توی استخر، توپ را برداشت. روی پوست توپ چند قطره آب بود، توپ را تکان داد... باز تکانش داد، نگاهش کرد. روی توپ یک خانه بود پای سازد و این همان کاری است که اسدی انجام می‌دهد. او با به‌کارگیری ابهام و تأخیر، کنش اصلی داستان را دانما به تعویق می‌اندازد و در حین نوشتن از دیالوگ‌های طولانی می‌کاهد و در عوض دیالوگ‌ها را کوتاه، نیم‌بند و تلگرافی می‌کند تا فقط گفت‌وگو بیان موقعیت نباشد بلکه حیوانات، اشیا، درختان، مناظر و... هریک راوی خاموش اما بیانگر موقعیت‌های پیش‌آمده باشند: «خش‌خش، گربه داشت کیسه آشغال کنار خیابان را می‌درید. زنگ زدند. توری کنارزده پنجره می‌لرزید و نسیم شبانه بوگرفته از برگ‌های خشک می‌آمد و بر شانه برهنه می‌گذشت که در خیابان مانده بود با دستی بر گونه و نگران پنجره‌ای که پرده بیرون‌افتاده‌اش تکان می‌خورد»^۱.

در بسیاری از داستان‌های اسدی و از جمله و به‌خصوص «باغ ملی» با حضور چیزها و اشیا مواجه می‌شویم که واقعیت را بیسان می‌کنند و این به نقش سمبلیک آنها بازمی‌گردد. سمبل‌ها در تعریف مرسوم این چیزهایی هستند که به طور عینی و ملموس وجود ندارند اما نبودنشان به معنای آن نیست که حضور ندارند، بلکه برعکس به عنوان سمبل حضور دارند. حضوری حتی بیشتر از واقعیت که مانند همه باورهای سمبلیک واقعیت را پیش می‌برند. در مجموعه داستان کوتاه «باغ ملی» و در دیگر داستان‌های اسدی بنا نیست واقعیت حول انسان شکل بگیرد طرفه آنکه چیزها و اشیا نه صرفا بیان موقعیت انسان بلکه خود بخشی از موقعیت‌اند که واقعیت را می‌سازند، چنان‌که بدون حضور اشیا موقعیت‌های واقعی چنان‌که باید و شاید به وجود نمی‌آید: «شب‌های بدر، همه منتظر می‌نشستیم تا ماه خودشو می‌رسوند به حوض، بعدش فواره می‌خوابید و ماه که درست می‌رسید وسط حوض، مهتاب با شیشه مخصوصش می‌آمد، حشمت هم ویولن و صندلی‌اش را برمی‌داشت می‌رفت اون گوشه می‌نشست شروع می‌کرد زدن، از صدای ساز، آب چین می‌خورد و مهتاب می‌رقصید»^۲.

موراکامی و حقیقت‌های ممکن

کورش اسدی در جایی گفته بود: «من هرگز دغدغه پرداختن به تاریخ نداشته‌ام و تعهدی به آن ندارم. تنها تعهدم به داستان‌هایم است و همین‌طور تأثیر وقایع در زندگی شخصیت‌ها و روابط میان آنها برایم مهم است». با این حال هنگامی که از «خاطره» گفته می‌شود با صراحت تمام یادآور می‌شود که «ادبیات چیزی نیست جز به خاطر سپردن». در حقیقت او در مرزهای به‌هم‌پیوسته خاطره و تاریخ داستان می‌نویسد، مرزهایی نه چندان مطمئن که امکان افتادنش به ورطه تاریخی‌گرایی یا خاطره‌نویسی صرف که به نوستالژی منتهی می‌شود وجود دارد. اما او فرونمی‌آفتد. اسدی حساب خود را با هر نوع تاریخ‌گرایی رایج و همین‌طور کلان‌روایت‌های نسل‌های ماقبلش جدا و در واقع تصفیه می‌کند و به نوستالژی نیز تن درنمی‌دهد.

میان خاطره که با تاریخ پیوند نزدیک‌تری برقرار می‌کند با حافظه که وظیفه به یاد آوردن گذشته را برعهده دارد، تفاوت‌های جدی وجود دارد. حافظه می‌کوشد با فراخواندن بخشی از خاطره، اما نه تمامیت آن، بخش‌های دستچین‌شده گذشته را به یاد بیاورد تا آن بخش دیگر را که نباید به خاطر آورده شود، پس بزند تا وضعیت کنونی را مشروع و خوب جلوه دهد. درست شبیه به کاری که یک توریست انجام می‌دهد: نوعی نگاه دستچین‌شده به گذشته با دوربینی در دست که جایگزین خاطره می‌شود، از آن نوع جایگزینی که خاطره را مستقیما به حافظه بدل می‌سازد. حافظه‌ای که گذشته را در شکوهی پرچرال و بی‌چون و چرا تثبیت‌شده می‌پندارد در حالی که تثبیت‌شده نیست.

کورش اسدی در «کوچه ابرهای گمشده» به کمک خاطره و نه حافظه، جهان تثبیت‌شده را به نمایش درمی‌آورد: داستان مردی به نام کارون که بر اثر جنگ همه چیزش را از دست می‌دهد و آواره تهران می‌شود تا هویتی تازه پیدا کند. در اینجا اسدی «خاطره» را که می‌کوشد وفادار بماند جایگزین «حافظه» می‌کند تا موقعیت‌های تثبیت‌نشده را یادآوری کند. کورش اسدی نویسنده صاحب سبک و شهری است. وقایع در شهر بی‌درپی رخ می‌دهد که لازمه‌اش برای نویسنده ایجاد سبک متناسب با آن است. اسدی و شگردهای زبانی و خرده‌روایت‌های صغیر و در عین حال مستقل بیانگر ادبیات مختص به شهر است. او در روایت‌های خود همان حال و هوای گوناگون و نه یکپارچه شهر را به تصویر درمی‌آورد. بیان او بیانی تکه‌تکه است که با یکدیگر پیوند ندارند و رویداد نخستین لزوما به اتفاق واپسین پیوند نمی‌خورد. لازمه چنین سبکی به ناکزیر نوعی ابهام است که اسدی از آن بهره می‌گیرد، ابهامی که ریشه در وهم، سرگردانی، تعلیق یا صغارت سوزه‌هایی دارد که بعد از آن رخداد بزرگ یعنی «قتل پدر» به بلوغ نرسیده‌اند و گویا نمی‌خواهند برسند.

بی‌نوشت: پدرکشی از یک نظر به ایده‌های فروید ربط پیدا می‌کند. به نظر فروید در آغاز تاریخ فرزندان علیه پدر و یا در حقیقت علیه اقتدار پدر شورش می‌کنند و او را به قتل می‌رسانند. کاری که در داستان ادیب اتفاق می‌افتد. ادیب ناخودآگاه و طی یک اتفاق پدرش را می‌کشد و با مادرش که همسر پدرش است ازدواج می‌کند. در پی چنین حادثه‌ای موجی از شورش در شهر پدید می‌آید و حس گناه بر شهر حاکم می‌شود. به نظر فروید پدرکشی اولیه در نهایت به پیدایش ناکزیر نظم و به‌نوعی فرهنگ در شهر برای پایان‌دادن به آشوب منتهی می‌شود و همین‌طور مذهبی که می‌کوشند حس گناه را تخفیف دهند.

۱. «باغ ملی» از مجموعه داستان «باغ ملی»

۲. «جفت» از همان مجموعه

۳. «باغ من» از همان مجموعه

۴. «باغ مهتاب» از همان مجموعه

عطف

روایت پادآرمان‌شهری روسیه

شرق: یوگنی زامیاتین، نویسنده روس، خود را مبدع ادبیات علمی تخیلی از نوع پادآرمان‌شهری می‌دانست و ادعای او چندان دور از واقعیت هم نبود. زامیاتین تنها یک رمان با عنوان «ما» نوشت و این رمان در زمان زندگی کوتاه و تراژیک نویسنده، آن‌گونه که باید دیده نشد. متن روسی اثر به شکل سامیزدات منتشر شد و به جز آن ناشری پناهنده در پراگ نسخه‌هایی بی‌کیفیت از رمان را منتشر کرد. اما عجیب اینکه پیش از آن‌که نسخه روسی کاملی از این رمان منتشر شود، ترجمه انگلیسی آن در دست بود. جورج اورول، بر این باور بود که آلدوس هاکسلی پیش از نوشتن «دنیای قشنگ نو»، احتمالا این رمان را خوانده است.

رمان «ما» چند سال پیش با ترجمه بابک شهباب توسط نشر بیدگل منتشر شده بود و اخیرا چاپ تازه‌ای از آن به چاپ رسیده است. مترجم در بخشی از توضیحاتش نوشته که این رمان که اساسا خلاقانه و با ابهام‌های لغوی عامدانه و قصد و غرض سیاسی زیرکانه نوشته شده، کتابی است نه چندان آسان، چه برای ترجمه و چه برای خواندن. «ما» از آن دست داستان‌هایی است که خاستگاهش فقط می‌تواند روسیه باشد یا به تعبیری زمان و مکان مرتبط با پترگردار انقلابی.

نویسنده «ما»، یوگنی ایوانوویچ زامیاتین نویسنده آثار علمی تخیلی و طنزنویس سیاسی و منتقد ادبی روس بود. او در فوریه ۱۸۸۲ در شهر لیدیان، در سیصد کیلومتری جنوب مسکو و در دوران حکمرانی امپراتوری روسیه به دنیا آمد. با وجود اینکه پدرش کشیش کلیسای ارتدکس بود در سن جوانی از مسیحیت دست کشید و به حزب سوسیال‌دموکرات کارگری روسیه پیوست. در جوانی و زمانی که دانشجوی مبارز بلشویک بود بارها توسط حکومت تزاری دستگیر، زندانی و تبعید شد. در سال ۱۹۰۵ ماه‌ها در سلول انفرادی ماند و بعد به شهرستان تبعید شد. زامیاتین توانست با لباس مدبل مخفیانه خودش را به پترزبورگ برساند و در آنجا مدرک مهندسی‌اش را گرفت. در همین دوران بود که شروع به نوشتن کرد. در ۱۹۱۱ بلیس دوباره مسج زامیاتین را گرفت. این‌بار او را به جایی در خود روسیه تبعید کردند و او در آنجا وقتش را به تصنیف هجوات گذراند. بعد او را به انگلستان فرستادند تا بر ساخت کشتی‌های یخ‌شکن روسی نظارت کنند. در میان تحولات عظیم سال ۱۹۱۷ بی‌درک به روسیه برگشت و ماکسیم گورکی برای او، آن آشوبگر مشهور سابق، شغلی ادبی دست‌وپا کرد. این دوره نقطهٔ اوج زندگی و کار زامیاتین بود. در همین دوران بود که زامیاتین رمان معروف خود با نام «ما» را نوشت. نخستین رمان علمی تخیلی در ژانر پادآرمان‌شهری که حکومت پلیسی شوریوی را هدف قرار داده بود. بعد از تمام‌کردن «ما» در اواخر سال ۱۹۲۰، نسخه دست‌نوشت را به چند دوست نشان داد اما اجازه انتشار به او ندادند. در ۱۹۲۱، اثر او اولین کتابی شد که توسط شورای سانسور شوریو، ممنوع اعلام شد. در نهایت مجبور شد کتابش را برای انتشار به غرب بفرستد. با انتشار رمان خارج از مرزهای روسیه هیاومیی به پا شد که دور از انتظار نبود. نتیجه این عمل، طرد او از کانون نویسندگان شوروی بود. در ۱۹۳۱ استالین اجازه داد زامیاتین و همسرش به پاریس مهاجرت کنند. زامیاتین همواره امید داشت روزی رژیم به او اجازه نوشتن دهد و دوباره به آنجا بازگردد. او در نهایت در سکوت و فقر تباه شد و در مارس ۱۹۳۷ بر اثر سکته قلبی از دنیا رفت. مطبوعات شوروی حتی مرگ او را اعلام نکردند.

یوگنی زامیاتین، نویسنده روس، خود را مبدع ادبیات علمی تخیلی از نوع پادآرمان‌شهری می‌دانست و ادعای او چندان دور از واقعیت هم نبود. زامیاتین تنها یک رمان با عنوان «ما» نوشت و این رمان در زمان زندگی کوتاه و تراژیک نویسنده، آن‌گونه که باید دیده نشد. متن روسی اثر به شکل سامیزدات منتشر شد و به جز آن ناشری پناهنده در پراگ نسخه‌هایی بی‌کیفیت از رمان را منتشر کرد. اما عجیب اینکه پیش از آن‌که نسخه روسی کاملی از این رمان منتشر شود، ترجمه انگلیسی آن در دست بود.

رمان «ما» چند سال پیش با ترجمه بابک شهباب توسط نشر بیدگل منتشر شده بود و اخیرا چاپ تازه‌ای از آن به چاپ رسیده است. مترجم در بخشی از توضیحاتش نوشته که این رمان که اساسا خلاقانه و با ابهام‌های لغوی عامدانه و قصد و غرض سیاسی زیرکانه نوشته شده، کتابی است نه چندان آسان، چه برای ترجمه و چه برای خواندن. «ما» از آن دست داستان‌هایی است که خاستگاهش فقط می‌تواند روسیه باشد یا به تعبیری زمان و مکان مرتبط با پترگردار انقلابی.



یوگنی زامیاتین
ترجمه بابک شهباب
نشر بیدگل



شهر و دیوارهای دمدمی

هاروکی موراکامی

ترجمه مهدی غبرایی

نشر نیلوفر

رود دنیایی بی‌نام نشسته بودیم.